

تحلیل گفتمان‌های فال‌گیری در ایران

¹ حمزه نوذری

² علیرضا کریمی

³ معصومه غلامی

دریافت 1388/2/1 تأیید 1388/7/26

چکیده

فال همواره در زندگی بشر وجود داشته و به عنوان معرفتی حاشیه‌ای، در گوشه و کنار جامعه به زندگی خود ادامه داده است. در سال‌های اخیر، گسترش و تنوع موضوع فال، ورود آدم‌های تحصیلکرده و با موقعیت اجتماعی بالا به فال‌گیری و استفاده از گفتمان رسمی - علمی، برای طرد فال سبب شده است که پرداختن به این موضوع اهمیت یابد.

مقاله حاضر می‌کوشد، با استفاده از نظریه نظم گفتار فوکو و تحلیل گفتمان، ابتدا به سازوکارهایی که گفتمان رسمی - علمی برای طرد و غیرحقیقی جلوه دادن فال استفاده می‌کند، بپردازد و سپس با بهره‌مندی از گفتار کنشگران فال‌گیری، معرفتی که فال ارائه می‌دهد و همچنین دنباله‌روندگان آن را با گفتمان علمی فال مقایسه کند. از جمله سازوکارهای فوکویی که گفتمان علمی - رسمی فال، در جهت طرد گفتمان غیررسمی بکار می‌بندد، کنارگذاری و تفسیر است. برحسب این دو سازوکار، فال، غیرحقیقی، غیرواقعی و شیادی است و کنشگران آن ساده‌اندیش و فاقد بینش علمی پنداشته می‌شوند. درحالی‌که، کنشگران گفتمان غیررسمی که اغلب تحصیلکرده هستند به فایده‌مندی فال در زندگی روزمره‌شان اشاره می‌کنند.

واژگان کلیدی: گفتمان رسمی، گفتمان غیررسمی، فال‌گیری، حقیقت، کنارگذاری، تفسیر.

-
- 1- دانشجوی دکتری گروه توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران nozari56@yahoo.com
 - 2- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران karimionline@gmail.com
 - 3- دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی gholami_parisa@yahoo.com

مقدمه

فال‌گیری همیشه در زندگی بشر وجود داشته است. گاهی به عنوان یک دانش رازآلود و مبهم در کنار رهبران جامعه قرار گرفته، و بعضی مواقع هم به‌عنوان معرفتی حاشیه‌ای در گوشه و کنار جامعه به زندگی خود ادامه داده است. اما شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اخیراً این پدیده، نقش ویژه‌ای در زندگی روزمره مردم پیدا کرده است. در سال‌های اخیر، چاپ و ترجمه کتاب‌های متنوع درباره فال‌گیری، گسترش و تنوع روش‌های فال‌گیری، پذیرش اجتماعی این پدیده، رجوع روزافزون دارندگان مدارک دانشگاهی به فال‌گیری، و طرد مداوم آن توسط گفتمان رسمی، سبب اهمیت روزافزون این موضوع شده است.

هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب دیگری دارد تا به واسطه آن هویت یابد. هیچ جامعه‌ی یک‌دستی را نمی‌توان تصور کرد که در آن، فقط یک گفتمان یا به‌عبارت دیگر، تنها یک نوع جهان‌بینی و طرز فکر حاکم باشد (سلطانی، 1384: 111). بر این اساس، مقاله حاضر دو گفتمان رسمی و غیررسمی را در زمینه فال‌گیری مورد بررسی قرار داده است. برای تفسیر و تحلیل گفتمان‌های فال‌گیری، نخست به ساز و کارهای گفتمانی می‌پردازیم، که همچنان فال‌گیری را در حاشیه گفتمان علمی قرار می‌دهد. گفتمان علمی با استفاده از واژه‌های دوگانه حقیقت و خطا، فال را خطای بزرگی می‌پندارد که باید از جامعه حذف شود. سپس در خلال سازوکارهای گفتمان رسمی، به بررسی پدیده فال‌گیری و جایگاه آن نزد جامعه آماری مورد مطالعه می‌پردازیم. بدین ترتیب، می‌توان گفت که پژوهش حاضر به دنبال درستی یا نادرستی گزاره‌ها و جملات هر یک از گفتمان‌های فوق‌الذکر نیست، بلکه به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است.

1. گفتمان علمی بر اساس چه سازوکارهایی همچنان فال‌گیری را به حاشیه رانده است؟
 2. فال‌گیری به کدام نیازهای اجتماعی پاسخ می‌گوید و چه نوع معرفتی را ارائه می‌دهد؟
- در این مقاله گفتمان علمی و رسمی را در کنار هم قرار دادیم، چون همان‌گونه که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، گزاره‌هایی که توسط علم تولید می‌شوند، با گزاره‌ها و پاره‌گفتارهای گفتمان رسمی، در به حاشیه راندن گفتمان دیگر ترکیب می‌شوند. همچنین، ابزارهای گفتمان رسمی در ایران؛ مانند روزنامه‌ها برای طرد و کنارگذاری و درهم شکستن گفتمان غیررسمی در خدمت علم (رشته دانشگاهی) قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

"تمام کتاب‌های من جعبه ابزارهای کوچکی هستند. اگر مردم می‌خواهند آنها را باز کنند، این جمله یا آن ایده را به‌عنوان یک پیچ‌گوشتی یا آچار فرانسه برای کنار نهادن، بی‌اعتبار کردن یا متلاشی کردن نظام‌های قدرت، از جمله؛ سرانجام همان‌هایی که خواستگاه کتاب‌های من هستند، به کار بگیرند" (میلز، 1388: 26).

فوکو، در دیرینه‌شناسی دانش نشان می‌دهد که؛ تاریخ بشر از گفتمان‌هایی تشکیل شده است که به‌گونه‌ای تصادفی ظهور می‌کنند و به شیوه‌ای نامعلوم نیز از بین می‌روند. آنها حقیقت و معیارهای صدق و کذب خاص خود را تولید می‌کنند، این حرف بدان معناست که؛ هیچ حقیقتی خارج از گفتمان نیست و همه چیز در درون گفتمان تولید می‌شود. همین امر ساختگی به مثابه حقیقت و واقعیت خود را برمی‌سازد. به اعتقاد فوکو، گفتمان نه تنها بزرگتر از زبان است بلکه کل حوزه اجتماع را در برمی‌گیرد و نظام‌های حقیقت را بر سوژه‌ها یا فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کند (سلطانی، 1383). علاوه بر این، فوکو به فرایندهای تولید گفتمان اشاره می‌کند. در طی این فرایندها برخی از گفتمان‌ها، ممنوع یا سرکوب و برخی دیگر پذیرفته می‌شوند. گفتمان‌ها، در این فرایند به مستدل و نامستدل و درست و غلط تقسیم می‌شوند و در طی فرایندی، که اراده معطوف به حقیقت نامیده می‌شود؛ گفتمان‌های درست بر غلط ترجیح داده می‌شوند (حسینی‌زاده، 1383). یکی دیگر از ویژگی‌های تفکر فوکو این است که؛ گفتمان را در ارتباط با قدرت تعریف می‌کند (عضدانلو، 1380؛ مک دانل، 1380؛ تاجیک، 1383). گفتمان برای اینکه دانش تولید شده توسط خود را به عنوان تنها دانش درست و معیار جلوه دهد، سازوکارهای خاصی را بکار می‌گیرد. فوکو در "نظم گفتار" (1380)، به رویه‌ها و سازوکارهای مذکور (هم گفتمانی و هم غیرگفتمانی) اشاره می‌کند، رویه‌هایی که از طریق آن، یک گفتمان خود را از خطرات حفظ و تداوم می‌بخشد. این رویه‌ها و سازوکارها، به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. عوامل بیرونی نیز خود به سه بخش تقسیم می‌شوند. اول؛ رویه کنارگذاری¹ است. بدین معنی که، هر کسی نمی‌تواند هر چیزی را بگوید و یا از موضوع خاصی صحبت کند. مثلاً در عصر "ویکتوریا"، سخن گفتن از امور جنسی ممنوع بود. دوم؛ تقسیم‌بندی است. مانند تمایز خود و دیوانگی. از اعماق قرون وسطی تا کنون، دیوانگان حق سخن گفتن نداشته‌اند و اگر هم سخن می‌گفتند، کسی آن را جدی تلقی نمی‌کرد. سوم؛ تمایزگذاری میان دانش حقیقی و کاذب است. قرار دادن حقیقت در برابر هر چیزی که غلط است، به سیطره امر

1-exclusion

حقیقی دامن می‌زند و سلطه آن را به پا می‌دارد و چون و چرا کردن درباره حقیقت و امر واقعی را غیرممکن می‌سازد. فوکو این موضوع را «ارادت به حقیقت» می‌نامد. وی این سه مورد را، نظام‌های طرد یا کنارگذاری تلقی نموده؛ یعنی نظام‌هایی که شدیداً به سانسور در درون گفتمان می‌پردازند.

رویه و سازوکارهای درونی گفتمان: این رویه و سازوکارها خود به سه مورد تقسیم می-

شوند:

1. تفسیر: یعنی موضوعات درون گفتمان در طول تاریخ تکرار می‌شوند (مانند کتاب مقدس)، دهان به دهان می‌چرخند و بعد از بوجود آمدن تا بی‌نهایت گفته می‌شوند. «تکرار بی‌نهایت... تفسیرها به انگیزه درونی تکراری پوشیده صورت می‌گیرد؛ در چشم اندازی چنین گویا هیچ چیز، جز آنچه در نقطه آغازین بوده وجود ندارد، هر چه هست فقط از برخواندن است» (فوکو، 1380: 26). بنابراین، تلاش برای رسیدن به معنای حقیقی متن رویه توهم‌آمیزی است که فقط تداوم گفتمان را ممکن می‌سازد.

2. مؤلف: منظور فوکو از مؤلف، نه کسی که به سخن‌اش گوش می‌دهیم یا کسی که متنی را نوشته یا بیان کرده است، بلکه «اصل گروه‌بندی گفتارها، به‌عنوان وحدت و خواستگاه معانی و کانون انسجام‌شان است» (فوکو، 1380: 27). این ویژگی سبب می‌شود متن‌های متباینی که اغلب اشتراک چندانی با هم ندارند کنار هم جمع شوند.

3. رشته علمی¹ دانشگاهی: هر رشته علمی تعیین خواهد کرد که کدام قضا یا استدلال، کدام روش‌ها و کدام موضوعات حقیقی‌اند. رشته علمی، امکان طرح دانش‌های دیگر را غیر-ممکن می‌سازد. «هر ماده علمی، در درون مرزهایش به قضایایی درست و نادرست معتقد است؛ ولی عجایب و غرایب قلمرو دانش دیگر را، از دایره درون‌مرزی ماده‌های علمی بیرون می‌کند» (همان، 32). به‌عنوان مثال؛ با آنکه سخنان مندل در مورد وراثت کاملاً درست بود. اما به جهت این که خارج از رشته زیست‌شناسی زمان خود بود، یعنی در «راستای حقیقت» گفتمان دوران خودش نبود، به عنوان معما تلقی شد. علاوه بر این‌ها، فوکو به شیوه‌هایی از نظارت در درون گفتمان اشاره می‌کند که از طریق آن، فقط افراد خاصی توانایی دسترسی به گفتمان را دارند. افرادی به چنین جایگاهی خواهند رسید که مراحل متعدد و خاصی را طی کرده باشند. گفتمان از طریق «آیین‌های خاص»، این مهم را عملی می‌سازد. این آیین‌ها افرادی را که می‌توانند گفتارهای خاص را به زبان آورند، محدود می‌کند. برای مثال؛ فقط محضر دار می‌تواند خطبه

عقد را جاری کند. «یک نظام آموزشی اگر نوعی فرایند آیینی کردن گفتار نباشد، پس چیست؛ در واقع شیوه‌هایی برای آموختن و تثبیت نقش‌ها برای جان‌های سخنگوست؛ یعنی تشکیل گروه‌های آیینی دست‌کم پراکنده برای توزیع گفتمان و تملک آن با قدرت‌ها و دانش‌هایش» (فوکو، 1981: 64). بنابراین، نظام آموزشی نه یک نظام حقیقت‌یاب بلکه تمهیدی است برای به نظم درآوردن گفتمان، گفتمانی که در درون آن، فقط افراد خاصی حق حرف زدن دارند، گزاره‌ها و قواعد خاصی دانش تلقی می‌شوند. این امور گفتمانی‌اند که فهم ما از واقعیت و تصویری که از هویت خویشتن داریم را شکل می‌دهند. منظور فوکو این نیست که واقعیتی در بیرون وجود ندارد، بلکه تأکید می‌کند که آنچه از نظر ما معنی‌دار است، و همچنین تعبیر ما از اشیاء و رخدادها و قرار دادن آنها در درون نظام‌های معنایی وابسته به امور گفتمانی است. گفتمان‌ها، اموری مجرد و انتزاعی نیستند. آنها گستره‌ای از گزاره‌ها، نشانه‌ها و رویه‌ها را می‌سازند که در محدوده آن، ما در هر شرایط تاریخی فقط در چارچوب آنها بیندیشیم.

روش‌شناسی

روش‌شناسی این پژوهش، مبتنی بر رویکرد گفتمانی فوکو است. در دیدگاه فوکو، نظریه و روش از هم جدا نیستند. شاید روش‌های دیرینه‌شناسی و تبارشناسی (کچویان، 1382) نیز دارای تکنیک‌های خاصی نیستند، بلکه فقط یک سری رهنمودهاست. شیوه تبارشناسانه، گفتمان‌ها را در طول شکل گرفتن‌شان و در ارتباط با قدرت بررسی می‌کنند، و نشان می‌دهند که چگونه گفتمان به اشیاء و مفاهیم شکل می‌دهند (خالقی، 1382: 273-278). در نزد فوکو؛ گفتمان، مجموعه‌ای از عناصر زبانی و غیرزبانی است که از یک‌سو، با زبان در ارتباط است و از سوی دیگر به ساختارها، روابط و نهادهای اجتماعی باز می‌گردد. هر گفتمان، یک بازی زبانی است که در اساس با یک ساختار سیاسی، در وسیع‌ترین معنای آن پیوند خورده است و مدعی هرگونه حقیقت و باورها، کنش‌ها و نهادهای متناظر آن است. گفتمان‌ها از آنجا که مدعی عینیت و حقیقت هستند، در ساختار شبکه‌ای که می‌توان آن را با ساختار شبکه‌ای قدرت یکی دانست، با یکدیگر پیوند می‌خورند. در جریان این ارتباط است که قدرت از طریق گفتمان اعمال می‌شود و ضد آن به وسیله گفتمان‌های بدیل سامان می‌یابد (رستمی، 1382: 21). در این مقاله، جهت تحلیل دقیق‌تر و یافتن راهی برای صورت‌بندی داده‌های پژوهش، سازوکارهای نگه‌دارنده گفتمان از جمله کنارگذاری، تقسیم‌بندی، تمایز دانش حقیقی و کاذب، تفسیر و رشته علمی و دانشگاهی، مد نظر قرار گرفت؛ که از بین آنها رشته علمی و تفسیر مورد تأکید است. در موارد مذکور و خصوصاً دو مورد رشته علمی و تفسیر، نحوه به حاشیه رفتن گفتمان

فال‌گیری عیان می‌شود. همچنین گزاره‌ها و احکام فال‌گیری نیز کم‌کم در فرایند تحلیل مطرح خواهند شد.

گردآوری داده‌ها: در این مقاله، گردآوری داده‌ها از طریق بررسی اسناد، مصاحبه و مشاهده مشارکتی صورت گرفته است. اسناد مورد بررسی شامل مجلات¹، روزنامه‌ها و کتاب‌ها می‌شوند. در بخش مصاحبه، از افراد آگاه و با دانش در زمینه فال‌گیری اطلاعات جمع‌آوری شده است. تعداد این مصاحبه‌ها 50 مورد بود، که ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره (1) نشان داده شده است.

جدول 1. ویژگی‌های افراد مورد مصاحبه

جنسیت	ویژگی نمونه‌های انتخاب	تعداد
زن	اکثر زنانی که انتخاب شدند از نزدیک با فال‌آشنایی داشتند و همچنین دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.	23
مرد	مردان جوان و تحصیلکرده که اغلب دارای مشاغل فرهنگی بودند به عنوان نمونه انتخاب شدند تا اطلاعاتی درباره دانشی که فال تولید می‌کند به دست آید.	27

مشاهده مشارکتی نیز توسط یکی از نویسندگان، در مراسم فال‌قهوه در سال 1388 انجام شد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل در روش کیفی فرایندی پیچیده، درهم و وقت‌گیر است. در مقاله حاضر با توجه به ادبیات نظری، روش پنج مرحله‌ای ذیل در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت:

- سازماندهی داده‌ها؛
- طبقه‌بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها؛
- ارزیابی سؤالات با توجه به داده‌ها؛
- جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها؛
- نوشتن و تهیه گزارش (مارشال و راسمن، 1381: 157).

1- نشریات بررسی شده: روزنامه‌های اعتماد □ اعتماد ملی □ انتخاب □ ایران □ توسعه □ جام‌جم □ جمهوری اسلامی □ راه مردم □ رسالت □ قدس □ کیهان □ همشهری. مجلات چلچراغ □ دنیای زن □ رویش و گزارش.

مفاهیم فال‌گیری

فال‌گیری یکی از مسائل مهم کشور است. به طوری که افراد زیادی، به نحوی درگیر آن هستند. اگرچه صفحات روزنامه و مجلات سرشار از پرداختن به این موضوع است اما تاکنون پژوهش و مطالعه‌ای منسجم و علمی در این زمینه انجام نشده است. فاضلی (1387)، مفاهیم فال‌گیری را به صورت زیر صورت‌بندی نموده است:

- فال‌گیرها: این گروه شامل طیف گسترده‌ای از دو گروه می‌شوند. فال‌گیران حرفه‌ای (آنها که مزد می‌گیرند و به نام فال‌گیر شناخته می‌شوند)، و فال‌گیران غیرحرفه‌ای (کسانی که فنون فال‌گیری را می‌دانند و گاه و بی‌گاه برای دوستان و آشنایان یا خودشان فال می‌گیرند)؛

- مشتریان فال: این گروه نیز طیف بسیار وسیعی از کسانی را، که از روی اعتقاد یا به دلیل حل مشکل و رفع یک نیاز و گروهی که صرفاً برای تفریح و سرگرمی فال می‌گیرند را شامل می‌شوند؛

- موضوعات و مسایل فال: هیچ محدودیت موضوعی برای فال‌گیری وجود ندارد. از این‌رو، از ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین موضوعات زندگی روزمره و مشخص، تا مسائل انتزاعی و فلسفی و حتی مسایل پیچیده سیاسی می‌توانند موضوع فال‌گیری باشند؛

- دانش‌ها، فنون و مهارت‌های فال‌گیری: فال ممکن است به کمک ابزارهای فنی پیچیده یا تنها به کمک اندام‌ها و بدون وسایل و اشیاء خاصی انجام شود. از این‌رو، از نظر فنی، فال‌گیری با مجموعه‌ای از باورها، دانش‌ها و مهارت‌های خاص همراه است؛

- هدف‌های فال‌گیری: این اهداف شامل عمل به یک آیین و اعتقاد، باز کردن سر یک راز مربوط به گذشته، حال یا آینده، پیدا کردن راه‌حل یا برطرف کردن یک مشکل، تأمین یک نیاز و سرگرمی و تفریح است؛

- زمینه اجتماعی فال‌گیری: فال‌گیری امروز، در تمام جوامع رایج است. از این‌رو، در زمینه‌های اجتماعی مختلف، توسعه‌یافته تا توسعه‌نیافته، مذهبی و سکولار، و روستا و شهر انجام می‌شود (فاضلی، 1387: 173-172).

رشته دانشگاهی

علم، اقتدار بیشتری نسبت به هیچ یک از دیگر اشکال ندارد (فایراوند، 1387). از جمله سازوکارهای گفتمان علمی جهت طرد فال‌گیری این است که؛ رشته علمی موضوع و روش درست (به زعم خودش) تعیین می‌کند و امکان طرح موضوعات دیگر را غیر ممکن می‌-

سازد. همچنین، روش‌ها و موضوعات غیر از خودش را از دایره درون‌مرزی ماده‌های علمی بیرون می‌کند.

رشته علمی، در ابتدا دنباله‌روندگان فال را مشخص می‌کند. گفتمان رسمی، دنباله‌روندگان فال را افرادی ساده، فاقد بینش علمی و فاقد اعتماد به نفس معرفی می‌کند که سره را از ناسره تشخیص نمی‌دهند و به همین دلیل، در دام شیادان (فال‌گیران) می‌افتند. در همین زمینه هاشمی¹ معتقد است که: «بیشتر افرادی که ساده‌دل بوده و شرایط اجتماعی را نمی‌شناسند و هنوز به یک خودشناسی کامل نرسیده‌اند، در دام شیادانی با عناوین فال‌گیر، رمال و... گرفتار می‌شوند. عمده‌ترین دلیل مراجعه برخی افراد به فال‌گیران، ضعف اعتماد به نفس آنهاست، چون اگر فردی به توانایی خود توجه داشته باشد و خود را دست‌کم نگیرد، قطعاً به دنبال ترسیم آینده آن هم توسط افرادی تحت‌عنوان فال‌گیر نیست» (روزنامه کیهان، 86/5/1).

پاره‌گفتار به‌ظاهر علمی بالا، افرادی فاقدصلاحیت علمی که دانش زیادی ندارند را، ساده-دلانی پنداشته که اعتماد به نفس یک فرد علمی را ندارند و به همین دلیل، به دنبال فال‌گیری هستند. از سوی دیگر، این پاره‌گفتار معتقد است که؛ شخص علمی توانمند است و کمتر به دنبال فال‌گیری می‌رود. نقل قول بالا، گفتمان علمی و رسمی را در مقابل گفتمان غیررسمی (فال) قرار می‌دهد و فال را شیادی قلمداد می‌کند. اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که؛ کنشگران گفتمان غیررسمی، که هم دارای تحصیلات دانشگاهی، و هم دارای مشاغل فرهنگی هستند نظر دیگری دارند. آنها معتقد بودند که؛ اکثر افراد به سمت فال‌گرایش دارند. «همه علاقه‌مند به فال‌گیری هستند و دوست دارند فال بگیرند، حتی آدم‌های تحصیلکرده مانند من که زیاد هستند یا از روی اعتقاد یا از روی سرگرمی و تفنن، و گاهی هم به‌خاطر امید به آینده به فال‌گیری روی می‌آورند، اما به‌خاطر شرایط اجتماعی همه از همدیگر پنهان می‌کنند که فال می‌گیرند» (محمدرضا، 26 ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

محمدرضا که دانشجوی کارشناسی ارشد بوده، معتقد است که اگر شرایط اجتماعی مناسب باشد همه افراد فال گرفتن‌شان علنی می‌شود.

«من هم مانند خیلی‌ها به فال اعتقاد نداشتم و آن را به افراد بی‌سواد نسبت می‌دادم، تا اینکه تصادفی با دوست یکی از دوستانم، که لیسانس پرستاری داشت و فال می‌گرفت آشنا شدم، او به‌درستی پیش‌بینی کرد که تا یک ماه دیگر برادرم ازدواج می‌کند، در حالی که برادرم

1- معاون مرکز علمی کاربردی واحد 141 تهران و سرگروه مدیریت فرهنگی

اصلاً قصد ازدواج نداشت، او درست پیش‌بینی کرد و من بعد از آن، مایلم از پیش‌بینی‌های فال کمک بگیریم» (روشنک، 25 ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

کنشگرانی که به فال‌گیر مراجعه می‌کنند، برخلاف گفتمان علمی که آنها را غیر علمی و فاقد دانش روز معرفی می‌کند، افراد باسواد و تحصیلکرده هستند که، یا از روی اعتقاد به درستی فال، و یا به خاطر تفنن و سرگرمی به این موضوع می‌پردازند. اما گفتمان علمی با استفاده از نظریات به اصطلاح علمی و بدون توجه به واقعیت زندگی روزمره، به دنبال فرو کاستن کنشگران گفتمان غیررسمی فال، به افراد ساده‌اندیش و فاقد تحصیلات است.

گفتمان علمی با استفاده از سازوکار رشته دانشگاهی، فال را غیر واقعی و خرافی معرفی می‌کند که باید با آن مبارزه کرد. «به‌طور کلی پناه بردن به رمال‌ها و فال‌نویس‌ها، همه از جهل و ناآگاهی افراد نشأت می‌گیرد. باید با خرافات مبارزه کرد و به مردم فهماند که؛ فال‌گیری واقعیت ندارد» (روزنامه اعتماد ملی، 87/7/4).

در مجموع، گفتمان علمی، دنباله‌روندگان فال را افرادی با خصوصیات زیر معرفی می‌کند:

- ساده‌اندیش که به راحتی توسط فال‌گیر فریب می‌خورند؛
- غیر علمی که هنوز به یک خودشناسی نرسیده‌اند؛
- ضعف اعتماد به نفس دارند و خود را دست‌کم می‌گیرند.

این گفتمان، فال را خرافه و غیر واقعی می‌داند که توسط عده‌ای شیاد و کلاهبردار راهبری می‌شود و باید با چنین موضوعی برخورد شود.

در مقابل، تعداد زیادی از دنباله‌روندگان فال در گفتمان غیررسمی، تحصیلکردگان و دانشجویانی هستند که در عرف جامعه، ساده‌اندیش و فاقد بصیرت معرفی نمی‌شوند. این گفتمان، دانشی را که فال تولید می‌کند برای کنشگران مهم و قابل توجه می‌داند، و مهم‌ترین ویژگی‌های این دانش را به صورت زیر بیان می‌دارد:

- موجب اعتماد به نفس، خوش‌بینی و امید نسبت به آینده می‌شود. گزاره‌های فال‌گیری احساس امیدواری و اعتماد به نفس را در میان کنشگران به وجود می‌آورد. بر شمردن اخلاق نیک و پسندیده؛ مانند اینکه شما قلب پاکی دارید و فرد درستکاری هستید، خداوند شما را دوست دارد و... نوعی خوش‌بینی و امید را در وجودشان زنده نگه می‌دارد؛

- گزینه مناسبی برای پر کردن اوقات فراغت است. برای آنهایی که به فال روی می‌آورند، فال‌گیری نوعی تفنن و لذت بردن است. همه انسان‌ها دوست دارند که از آینده‌شان مطلع شوند و مطلع شدن از آینده نوعی هیجان و لذت بردن است. البته این موضوع بیشتر در مورد جوانان

اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، فال در جمع‌های خانوادگی و دوستانه عامل مهمی در شاد بودن و لذت بردن از اوقات است؛

- گاهی هم پیش‌بینی‌های صحیحی از وقوع رخدادها برای برخی کنشگران انجام می‌دهد؛
- دارای جذابیت‌هایی برای کنشگران این عرصه است.

نتیجه‌بخش بودن علم و عدم فایده‌مندی فال

یکی از استدلال‌های مشخصی که علم را در موقعیت خاصی قرار می‌دهد؛ نتایجی است که به بار آورده است. پل فایرابند (1373)، معتقد است این نکته وقتی استدلالی پذیرفتنی می‌شود که بتوان فرض کرد؛ هیچ چیز دیگری هرگز نتیجه‌ای به بار نیاورده است. «ما اکنون با روش‌هایی در تشخیص و درمان پزشکی آشنا شده‌ایم که بسیار مؤثرند، اما درعین حال بر ایدئولوژی‌هایی اتکا دارند که از ریشه، با ایدئولوژی علوم غربی متفاوت است. ما اکنون می‌دانیم که پدیده‌هایی چون تله‌پاتی و تله‌کینسیس¹ وجود دارند که رهیافت علمی آنها را نادیده گرفته است، در حالی که ممکن است برای انجام تحقیق، به سبکی کاملاً جدید کارساز باشد. فشارهای ایدئولوژیک ما را وا می‌دارد که فقط به علم گوش فرا دهیم و هر چیز دیگر را نادیده بگیریم. همچنین درست است که پدیده‌هایی از قبیل تله‌کینسیس و طب سوزنی ممکن است عاقبت، جذب بدنه علم شوند و در نتیجه، پدیده‌هایی علمی خوانده شوند، لیکن این امر فقط پس از مقاومت در طی دوره‌های طولانی رخ می‌دهد، دوره‌هایی که در طی آن، علمی که هنوز شامل آن پدیده‌ها نیست تلاش می‌کند تا بر اشکال زندگی، که چنین پدیده‌هایی را در برمی‌گیرد چیره شود» (فایرابند، 1373: 157).

آیا فال هرگز نتیجه‌ای برای کنشگرانش به بار نیاورده است؟ آیا همه کسانی که به فال گیر مراجعه می‌کنند، انسان‌های ساده‌اندیشی هستند که فال برای آنها، نتیجه‌ای به بار نیاورده و آنها را دچار غبن و زیان ساخته است؟

اما واقعیت در گفتمان دیگر، متفاوت و در تقابل با جهت‌گیری گفتمان علمی و رسمی بیان شده است.

«من به فال یقین دارم، چون هر پیش‌بینی که برای من کرد مو به مو اتفاق افتاد. فال قهوه به من گفته بود، تصادف می‌کنم، بعد که تصادف کردم، دقیقاً همان جای ماشین صدمه دید که

1-telekinesis

در فال آمده بود. بعد از آن من حتی برای گرفتن پرونده موکلانم از قبل فال قهوه می‌گیرم» (وکیل، 35 ساله).

«کسانی که می‌گویند فال دروغ است، به فال‌گیر متخصص مراجعه نکرده‌اند، اگر به فال‌گیر خوب مراجعه کنیم، مطمئن باشید که نتیجه می‌گیریم» (معصومه، 29 ساله، دانشجو).

«یکی از دوستان من می‌گوید که؛ چندی قبل به یک فال‌گیر مراجعه کردم و او گفت پدرم به زودی می‌میرد، من ناراحت شدم بعد از توهین به او از پیش فال‌گیر ناراحت بیرون آمدم، تا اینکه 40 روز پس از آن، پدرم فوت کرد بدون این که مریضی داشته باشد و من به یاد فال‌گیر افتادم و نزد او رفتم و از او عذرخواهی کردم» (معصومه، 33 ساله، لیسانس، کارمند).

افرادی که تجربه فال‌گیری داشته‌اند (بیشتر فال قهوه)، به درستی پیش‌بینی‌ها، اشاره کردند این در حالی است که، افرادی که تجربه فال‌گیری نداشتند آن را مردود اعلام نمودند.

فاضلی (1387)، درباره فایده‌مندی فال می‌نویسد: «فال‌گیری هم نوعی کنش عاطفی و اجتماعی با منطق و کارکردهای خاص خود است. البته نمی‌توان سود و زیان مالی آن را برآورد کرد. در فال‌گیری، مجموعه‌ای از اتفاقات رخ می‌دهد که می‌توان آنها را به‌مثابه پادشاهی دانست که فرد، در برابر پولی که می‌دهد آنها را دریافت می‌کند. مهم‌ترین اینها لذت و هیجانی است که در فرایند فال‌گیری برای مشتریان و افرادی که فال‌شان گرفته شده ایجاد می‌شود. با در نظر گرفتن این بُعد فال‌گیری، می‌توان گفت که آیا فال‌گیری معنایی برای فال‌گیرنده دارد یا خیر. مبنای عقلانی فال‌گیری را نمی‌توان در درستی یا صحت پیش‌گویی‌های فال‌گیر دانست، بلکه باید در کارکردها و منطق اجتماعی و فرهنگی این رفتار جستجو نمود» (فاضلی، 1387: 185).

مهم‌ترین پیامد سخنان کنشگران عرصه فال‌گیری این است که؛ همان‌گونه که علم رسمی می‌تواند در جامعه وجود داشته باشد و بر روی افراد تأثیر بگذارد، هر گروه و گفتمان دیگری نیز مجاز است سخن بگوید و قضاوت نهایی درباره نتیجه‌دار بودن فال به مردم واگذار شود. مردمی که وقتی دلایلی برای نپذیرفتن گفتمان‌های رسمی یا علمی و رد فرضیه‌ها و ادعاهای علم دارند، تردید نکنند. همان‌گونه که فایرآبند گفته است؛ «علم کتاب سر بسته‌ای نیست که فقط پس از سال‌ها کارآموزی فهمیده شود، علم، فعالیتی فکری است که هر فرد علاقه‌مندی می‌تواند به بررسی و نقد آن بپردازد. اگر دشوار و عمیق به نظر می‌رسد به دلیل تبلیغات منظم و گمراه‌کننده بسیاری از دانشمندان است. نهادهای دولتی، (و هر فردی) وقتی دلیلی برای رد کردن قضاوت دانشمندان دارند، هرگز نباید در این کار تردید کنند، چنین ردی، افکار عمومی را

پرورش می‌دهد و به مردم اعتماد به نفس بیشتری می‌بخشد، و حتی چه بسا در بهبود اوضاع مؤثر افتد» (فایراوند، 1373: 159).

ایدئولوژی‌ها، چیزهای خیلی خوبی هستند ولی به شرط آنکه در کنار ایدئولوژی‌های دیگر بکار آیند. به محض آنکه محاسن‌شان به حذف مخالف‌شان بینجامد، کسالت‌آور و زجر‌آور می‌شوند (همان: 159).

باید به فال‌گیری و کنشگران این عرصه فرصت داده شود که در کنار گفتمان رسمی و علمی، به بیان ایدئولوژی خود بپردازند. همان‌گونه که پرسش‌شوندگان گفتند؛ فال‌گیری هم نتیجه‌بخش، و هم مؤثر در زندگی‌شان بوده است.

فایراوند، ایراد دیگری نیز بر استدلال گفتمان علمی و رسمی درباره نتیجه بخش بودن علم، در مقابل بی‌نتیجه بودن سایر گفتمان‌ها می‌آورد. او معتقد است؛ «این واقعیت که علم در بر-گیرنده نتایج است فقط در صورتی نکته‌ای مثبت برای علم محسوب می‌شود که، این نتایج را علم به‌تنهایی، و بی‌هیچ کمک خارجی بدست آورده بود. نگاهی سطحی به تاریخ نشان می‌دهد که علم، نتایج خود را هرگز از این طریق بدست نمی‌آورد. وقتی کوپرنیک، تصویری جدید از جهان ارائه داد، نه به آثار اسلاف علمی خود، بلکه به آثار فیثاغورث مسلک دیوانه‌ای چون فیلولائوس¹ مراجعه کرد. اندیشه‌های او را برگرفت و از آنها در برابر همه قواعد معقول روش علمی دفاع کرد. مکانیک و فیزیک نور، تا حد زیادی معلول صنعتگران است و پزشکی مدیون قابله‌ها و جادوگران» (فایراوند، 1373: 157).

از گذشته تا کنون، کسانی بوده‌اند که پیش‌بینی و پیش‌گویی کرده‌اند. کاهنان، پیامبران، جادوگران و... از این دست هستند و کسانی هم بوده‌اند که علاقه‌مند به دانستن آینده‌اند مانند؛ پادشاهان و حتی مردم عادی.

علم امروزه نیز براساس قواعد و اصول خود پیش‌بینی می‌کند و آینده‌نگری، جزیی از هر علم به شمار می‌رود. هر چند که علم، در پیش‌بینی کارهای زیادی انجام داده است اما فال-گیری و سایر گفتمان‌ها نیز همین تأثیر را داشته‌اند.

«دور هم که می‌نشینیم، اگر یکی از ما فال قهوه بلد باشد، برایمان فال می‌گیرد و ما به آینده‌هایی که فال پیش‌بینی می‌کند خوش‌بین می‌شویم و امیدوار» (علی، 22 ساله، دیپلم، بیکار).

1-philolaos

منظر محمدی¹ (1386) معتقد است که؛ «امروزه بسیاری از فال‌گیران در نقش مشاوره خانوادگی ظاهر شده و برای برخی افراد ساده‌دل، خط و ربط آینده زندگی را به غلط ترسیم می‌کنند. حتی برخی از خانم‌ها با ماشین آخرین سیستم و آخرین مدل‌های لباس، مشتری پر و پا قرص فال‌گیران هستند. یعنی این‌طور نیست که بگوییم فلان شخص چون فعالیت و تجهیزات دنیای مدرن را در اختیار دارد، مدرن هم فکر می‌کند. بلکه آگاهی فرهنگی او به حدی نرسیده که تشخیص دهد چگونه می‌تواند بر مشکلاتش غلبه کند» (روزنامه کیهان، 86/5/1).

گفتمان رسمی و علمی، قضاوت در خصوص نتیجه‌دار بودن و مؤثر بودن فال‌گیری را از مردم عادی سلب می‌کند. آیا مردم عادی نمی‌توانند به قضاوت درستی دست یابند؟ در پاسخ به این سؤال، فایراند معتقد است که؛ مردم عادی می‌توانند به قضاوت درست دست پیدا کنند. زیرا در توانایی‌ها، پیچیدگی‌ها و موفقیت‌های علم، بسی اغراق شده است. او در این زمینه مثالی می‌آورد بر این مبنا که؛ یکی از سرور انگیزترین تجارب روزمره این است که چگونه یک وکیل، که از مردم عادی است، می‌تواند در دادگاه، نقاط ضعف شهادت یا نظر کارشناسی با صلاحیت‌ترین کارشناس‌ها را برملا سازد و از این طریق، هیأت منصفه را در صدور رأی هدایت کند (فایراند، 1373:160).

سازوکار تفسیر

یکی دیگر از سازوکارهایی که به اعتقاد فوکو، باعث تداوم یک گفتمان می‌شود اصل تفسیر است، مدام گفتن و بیان یک گزاره یا موضوع، مانند کتاب مقدس. روان‌شناسان، روزنامه‌نگاران و قانون‌گذاران به شکل مستمر و پی در پی، از تفسیر در مورد خطا بودن فال باز نمی‌ایستند. انگار هم قسم شده‌اند که این پدیده به نسبت فراگیر، ریشه‌دار و قدیمی را هیچ و پوچ بدانند، اما انگار فراموش کرده‌اند که آیا یک موضوع باطل و عبث، می‌تواند عمری به درازای زندگی بشر داشته باشد؟ فوکو (1380)، می‌نویسد که تکرار بی‌نهایت و گوسفندوار تفسیرها، به انگیزه درونی رؤیای تکراری پوشیده صورت می‌گیرد. در چشم‌انداز چنین رؤیایی گویا هیچ چیز، جز آن‌چه در نقطه آغازین بوده، وجود ندارد، هر چه هست فقط از برخواندن است. هر آنچه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در خصوص فال می‌گویند، تکرار مکررات جملاتی است که انگار از روی دست هم نوشته شده است، نه تازگی دارد و نه مخاطب را اقناع می‌سازد.

1- استاد دانشگاه و مدرس مردم‌شناسی

متن‌ها (که عمدتاً در روزنامه‌ها منتشر می‌شود)، تفسیر و تکرار این جملات است که "انسان-های ساده‌دل و با اعتماد به نفس پایین، بیشتر به فال‌گیری مراجعه می‌کنند و در کشورهای توسعه‌نیافته، که آرزوها و نیازهای مردم برآورده نشده این پدیده رواج دارد". نوشته‌های آنها به قول فوکو؛ «مجموعه‌هایی از گفتارهای توأم با آداب معین‌اند، که همه، آنها را از بر هستند و در اوضاع و احوال کاملاً مشخصی، تکرار می‌شوند» (فوکو، 1380: 24).

«هر وقت تیتیر یک روزنامه یا مجله را درباره پدیده فال‌گیری ببینیم، مطالب درونش را از بر هستیم و لازم نیست مطالعه کنیم. گفتارهایی می‌بینیم که مانند ستون مذهبی یا حقوقی دائماً تجدیدگفتار می‌شوند» (پریسا، 28 ساله، مدرس و دانشجوی کارشناسی ارشد).

«گفتارهایی که، پس از به زبان آمدن، تا بی‌نهایت گفته می‌شوند، گفته شده باقی می‌مانند و همچنان باید گفته شوند» (فوکو، 1380: 24).

در درون تفسیرهای متعددی که از فال‌گیری، در گفتمان رسمی و علمی می‌شود گزاره‌ها و جملات متناقضی دیده می‌شوند که در کنار هم ردیف شده، در حالی که با هم اختلاف دارند. روان‌شناسان، فال‌گیری را متعلق به انسان‌های ساده‌دل می‌دانند و جامعه‌شناسان نیز عقب-ماندگی یک کشور را عامل توجه مردم به فال‌گیری تلقی می‌کنند.

«هر کسی که دور و برش آدم فال‌گیری باشد، او هم علاقه‌مند می‌شود که فال بگیرد؛ نه از روی اعتقاد بلکه از روی تفریح شاید هم از روی امید» (اکبر، 37 ساله، مدیر فرهنگی).

جملات و گزاره‌های یکسان در گفتمان رسمی دائماً تجدید می‌شوند.

«یک دختر دانشجوی هنر، درباره تجربه خود در جلسه فال قهوه می‌گوید که؛ در اثر مشکلاتی که در رابطه با نامزد پیدا کرده بودم و به توصیه یکی از دوستانم، برای فال قهوه به یک فال‌گیر مراجعه کردم، فال‌گیر در تفسیر فال قهوه من اتفاقاتی را مربوط به گذشته رابطه من و نامزدم گفت، که مطمئن هستم که درست است. وی می‌افزاید: به‌عنوان مثال؛ وقتی سؤال کردم که آیا نامزد من با کس دیگری به غیر از من ارتباط دارد یا نه؟ او گفت که تا چهار ماه قبل، با دختر دیگری ارتباط داشته و در مدتی که با تو در ارتباط بوده، بیکار نبوده و افراد زیادی را مورد امتحان قرار داده است. اما در حال حاضر، فهمیده که هیچ‌کس را بهتر از تو پیدا نمی‌کند و فقط تو را دوست دارد. که این موضوع برای من الان ثابت شده است. این دختر دانشجوی، در پاسخ به این سؤال که؛ آیا نامزدت از این ماجرا اطلاع دارد یا نه؟ اظهار می‌کند که نه! چون این مسائل را قبول ندارد. افزایش ارتباط اجتماعی و روابط دو طرفه دختران و پسران جوان، و مسایل و مشکلات پیچیده ناشی از آن از یک سو، و بی‌تجربگی و ناآگاهی جوانان در

حل منطقی مشکلات و یا مراجعه به مشاوران و متخصصان امر، گاهی باعث می‌شود که عده‌ای از آنان بسوی پیشگویی و پیش‌بینی اتفاقات این روابط کشیده شوند و سعی کنند تا با اجرای توصیه‌های فال‌بین‌ها، به نوعی روابط خود را اداره و کنترل کنند» (روزنامه رسالت، 88/5/20).

دختر دانشجویی که دوستش فال‌گیری را می‌شناسد که می‌تواند کمکش کند، باعث روی آوردن او به فال می‌شود در حالی که نامزدش این‌گونه نیست. روزنامه، با وجود اینکه دختر دانشجوی صحت و درستی حرف‌های فال‌گیر را تأیید می‌کند و آرامشی نصیب او گردیده است را نادیده می‌انگارد، می‌خواهد با گزاره‌های ایدئولوژیک، نادرستی و غیر واقعی جلوه دادن چنین رفتارهایی را تبیین کند. متن‌هایی این چنینی، در گفتمان رسمی و علمی به وفور یافت می‌شوند، که به دنبال طبیعی‌سازی باطل بودن گفتمان غیررسمی فال‌گیری هستند. ناآگاهی، حل منطقی مشکلات، مشاوران و متخصصان از واژه‌هایی است که در این متن ضد گفتمان غیر-رسمی و نادرست جلوه دادن آن بکار رفته است. منظور از افراد ناآگاه، کسانی هستند که به فال مراجعه می‌کنند، حل منطقی مشکلات یعنی آن چیزی که فال نمی‌تواند انجام دهد. منظور از مشاوران و متخصصان، افرادی هستند که بهتر مشکلات را حل کرده و آینده را پیش‌بینی می‌کنند. چنین مفاهیمی که در متون روزنامه‌ها (که جزئی از گفتمان رسمی هستند)، شاهد آن هستیم سعی در طبیعی‌سازی نادرست بودن فال می‌کنند.

تکرار مداوم گزاره‌های یکسان، که حکایت از غیرواقعی و باطل بودن فال می‌کند، این امر را طبیعی جلوه‌گر می‌سازد. از دل تکرار تفسیرها، می‌توان به خصوصیت مهم دیگر گفتمان علمی که طبیعی‌سازی است پی برد.

طبیعی‌سازی

طبیعی‌سازی، از خصوصیت‌های مهم گفتمان است. طبیعی‌شدگی، بازنمودهای ایدئولوژیک خاص را به صورت عقل سلیم در می‌آورد، به طوری که، دیگر به آنها به‌عنوان ایدئولوژی نگاه نمی‌شود. فرکلاف (1379)، معتقد است گفتمان، این ایدئولوژی‌های طبیعی‌شدگی را دانش پایه کنشگران می‌سازد. از این رهگذر، ایدئولوژی‌ها و اعمال طبیعی شده، به بخشی از دانش پایه تبدیل می‌شوند.

باطل، غیرمشروع و خرافی جلوه دادن گفتمان غیررسمی فال‌گیری، توسط گفتمان رسمی به دانش پایه افرادی که کنشگر عرصه فال‌گیری نیستند تبدیل شده است. به طوری که، این افراد حتی نمی‌خواهند حرفی درباره فال بشنوند و شنیدن آن را نیز ناپسند می‌شمرند. نکته

جالب توجه این است که؛ این چنین افرادی تمام دانش خود را از طریق تلویزیون و رسانه‌های رسمی بدست آورده و اکثراً نیز به علم و رابطه علت و معلولی اعتقاد راسخی ندارند. اما در این زمینه خاص (فال) معتقدند که خرافی و غیرعلمی است.

«من به فال اعتقاد ندارم، این همه در روزنامه‌ها و تلویزیون می‌نویسند و می‌گویند که چقدر کلاهبرداری شده، آدم‌های بی‌سواد فال می‌گیرند، هیچ کسی جز خدا نمی‌داند که چه اتفاقی می‌افتد» (منصور، 45 ساله، کارمند).

نتیجه‌گیری

واقعیت، دیگر مثل گذشته خود را به بشر عرضه نمی‌کند، بلکه در فرایند مدرنیته و زندگی مدرن روزمره، واقعیت گونه‌های متعددی پیدا می‌کند که یافتن اصل از فرع آن، بسیار دشوار است. صور حقیقت به حدی گوناگون شده‌اند که افراد مختلف (که تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف هستند)، آن را به شیوه‌های مختلفی درک می‌کنند. حقیقت، در گذشته رازآلود و در حاله‌ای از ترس و رعب قرار داشته و گفتمان‌های اولیه آن را رازآلود جلوه داده‌اند؛ که شناخت اصل از فرع دشوار بود و کسی نمی‌توانست شناختی از آنچه که رازآلود و مایه ترس است داشته باشد. اما امروزه گفتمان‌ها، حقیقت‌ها و واقعیت‌های متکثری را جلوه‌گر ساخته‌اند و این تکثر است که باز رازآلودگی واقعیت و حقیقت را سبب شده است. ممکن است در یک گفتمان، چیزی حقیقت و درست باشد که در گفتمان دیگر توهم، غیرواقعی و غیرحقیقی تعبیر شود. اگر یک گفتمان ادعا کرد که به حقیقت ناب رسیده است و خواست به سایرین بفهماند، گفتمان‌های دیگر در برابرش موضع می‌گیرند.

دو گفتمان درباره پدیده فال‌گیری وجود دارد. گفتمان رسمی - علمی، و گفتمان غیررسمی. گفتمان غیررسمی از گفتمان شفاهی در نوع مصاحبه که با کنشگران عرضه فال بدست آمده مشخص گردیده و تحلیل شده است، و گفتمان علمی - رسمی، از تحلیل متون روزنامه‌ها که توسط روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بیان شده، مشخص و تحلیل گفتمان شده است.

گفتمان رسمی فال‌گیری، فال را از اساس پوچ و باطل می‌انگارد و کلاهبرداری عده‌ای از افراد تحت پوشش فال‌گیر را مصداق غیرمشروع ساختن فال فرض می‌کند. در تحلیل متون گفتمان رسمی، هر آن کس که درگیر موضوع فال می‌شود، یا آدم ساده‌اندیش است که از توانایی اندیشیدن علمی برای رسیدن به خواسته‌هایش ناتوان است، یا آدم شیاد و کلاهبرداری است که از ساده‌اندیشی دیگران سوء استفاده می‌کند. همچنین، گزاره‌های این گفتمان چنین

روایت می‌کنند که؛ تنها راه دستیابی به حقیقت، ابتدا ریشه‌کن کردن هر آنچه تحت عنوان فال است (سرکوب گفتمان غیررسمی فال‌گیری) و سپس، ترویج علم و دانش و مبارزه با چنین پرده‌ای برای اینکه کسی به سمت فال‌گیری گرایش پیدا نکند.

از سوی دیگر، گفتمان غیررسمی دانش خاص خود را تولید می‌کند و کنشگران و دنباله‌روندگان خاص خود را دارد. این دنباله‌روندگان، برخلاف آنچه که گفتمان رسمی ادعا می‌کند آدم‌های ساده‌اندیش و فاقد بینش مناسب نیستند. معرفتی که فال‌ارائه می‌کند، در فایده‌مندی‌هایی که کنشگران آن ادعا می‌کنند عایدشان شده، نهفته است. از جمله فوایدی که از سوی این افراد بیان شده، می‌توان به تولید فراغت، امید به آینده، تولید هیجان و درستی پیش‌بینی‌ها اشاره کرد.

ادعای مقاله حاضر این است که؛ گفتمان رسمی یکی از گفتمان‌هایی است که در جامعه وجود دارد و جامعه را به پیش می‌راند، زمانی می‌تواند گفتمان مناسبی باشد که: 1. توتالیتر و سرکوبگر سایر ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها نباشد، و 2. در کنار سایر گفتمان‌ها از جمله گفتمان غیررسمی و غیرعلمی قرار گیرد. گفتمان غیررسمی همان‌گونه که بیان شد، به مردم اعتماد به نفس می‌بخشد و چه بسا در پاره‌ای از مواقع مؤثر افتد (مانند همان کاری که علم انجام می‌دهد).

امروزه در جامعه ایران، گفتمان غیررسمی برخلاف گفتمان علمی-رسمی، که قضاوت درباره مؤثر بودن فال را از مردم عادی می‌گیرد، معتقد است که قضاوت را باید به مردم عادی واگذار کرد. گفتمان رسمی فال‌گیری با سازوکارهایی که در اختیار دارد مانند؛ سازوکار رشته علمی و تفسیر، سعی دارد بر گفتمان غیررسمی مسلط شود و آن را طرد نماید و خود را یگانه پرچمدار حقیقت معرفی نماید. درمقابل، گفتمان غیررسمی نیز، سازوکارهای خاص خود را داشته و از طریق آنها سعی دارد در جامعه گسترش یابد.

منابع

- تاجیک، محمدرضا (1383) *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسینی، سیدرضا (1387) *نظریه پردازی، مفاهیم و استلزامات*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (1383) *نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی*. فصلنامه علوم سیاسی: شماره 28.
- خالقی، احمد (1382) *قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی سیاسی معاصر*. تهران: نشر گام نو.
- رستمی، محمدرضا (1382) *تحلیل گفتمان انتقادی پوشش خبری قتل‌های زنجیره‌ای (روزنامه‌های سلام، ایران، همشهری، صبح امروز، رسالت و کیهان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- سلطانی، سید علی اصغر (1384) *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشر نی.
- سلطانی، سید علی اصغر (1383) *تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش*. فصلنامه علوم سیاسی، شماره 28.
- عضدانلو، حمید (1380) *گفتمان و جامعه*. تهران: نشر نی.
- فاضلی، نعمت‌اله (1387) *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فایراند، پل (1373) *چگونه باید از جامعه در برابر علم دفاع کرد*. ارغنون: سال اول، شماره 1.
- فرکلاف، نورمن (1379) *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه: فاطمه شایسته پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- فوکو، میشل (1380) *نظم گفتار*. ترجمه: باقر پرهام. تهران: نشر آگه.
- کجوییان، حسین (1382) *فوکو و دیرینه‌شناسی دانش روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا ما بعد/تجدد*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مارشال، کاترین؛ راسمن، کرچمن (1381) *روش‌های تحقیق کیفی*. ترجمه: علی پارسایان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- مک‌دائل، دایان (1380) *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.

- میلز، سارا (1388) *گفتمان*، ترجمه: فتاح محمدی، تهران: نشر هزاره سوم.
- Foucault, Michel (1981) *The order of discourse, in young, Robert (ed) Unting the text: Apoststr ucturalist Reader: PKP, London.*

روزنامه‌ها و مجلات

- روزنامه ابرار
- 1- 88/7/18، «وقتی که فرهنگ در ته فنجان به سخره گرفته می‌شود؛ نیم‌نگاهی به پدیده رو به افزایش کف‌بینی و فال‌گیری در جامعه».
- 2- 78/9/8، «مسئولان فرهنگی به فکر باشند؛ افزایش مراجعه به رمال و فال‌بین».
- روزنامه اعتماد
- 1- 84/10/26، «بقایای "شمنیسم" در انسان مدرن: تحلیلی بر پدیده فال‌گیری از نگاه انسان‌شناسی».
- 2- 82/7/1، «امید در فنجان‌های قهوه‌پی».
- 3- 84/4/1، «شیفتگی به طالع‌بینی در ایران و جهان؛ گرایش به خرافه - تشکیک در علم».
- 4- 84/7/17، «فقر فرهنگی و خرافه‌پرستی امروزی؛ فنجان‌ت را وارونه بگذار».
- روزنامه اعتماد ملی، 87/7/4، «فال‌بینی و جادو هیچ جایگاه علمی ندارد».
- روزنامه انتخاب، 82/2/22، «گرایش به فال‌بینی و عوامل فرهنگی مرتبط با آن در بین دبیران دبیرستان‌های دخترانه تهران».
- روزنامه ایران، 84/8/23، «فال و پیش‌گویی در دکان‌های بی‌کرکره: بررسی دلایل گرایش مردم به انواع پیش‌گویی».
- روزنامه توسعه، 80/4/20، «نگاه مخدوش به آینده در فنجان‌های بخت و اقبال فال قهوه».
- روزنامه جام‌جم، 81/2/22، «آینده شما در یک فنجان قهوه».
- روزنامه جمهوری اسلامی، 78/9/22، «رجوع به فال‌گیران؛ دور شدن از حقایق زندگی».
- روزنامه راه مردم، 78/2/20، «فال‌بینان سوداگران اندیشه».
- روزنامه رسالت، 88/5/20، «فال‌گیری، غافل شدن از زندگی واقعی».

- روزنامه قدس، 79/9/6، «هنوز هم فال بین‌ها مردم را سرکیسه می‌کنند: نتایج مشاهدات عینی گزارشگر قدس».
- روزنامه کیهان
- 1- 84/4/31، «سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی مردم؛ آسیب‌شناسی گرایش به فال‌گیری و طالع‌بینی».
- 2- 86/5/1، «آسیب‌شناسی گرایش به فال‌گیری و طالع‌بینی؛ فال‌گیری عملی مجرمانه».
- روزنامه همشهری
- 1- 81/5/4، «آنها از آینده نمی‌گویند (فال‌گیران)».
- 2- 80/2/6 و 4، «روانشناسی اجتماعی خرافات».
- مجله چلچراغ
- 1- شماره 252، 86/4/9، «پرتره یک بانوی قهوه‌ای».
- 2- شماره 252، 86/4/9، «یک درخت، یک زنجیر، یک پله».
- 3- شماره 252 و 253، 86/4/16 و 9، «اخطار! راه عقل در دست تعمیر است، پرونده‌ای برای "فال‌گیرها" و "فال" گیرها».
- مجله دنیای زن، شماره 23، «چقدر به فال‌گیری اعتقاد دارید؟ سرنوشت شما در یک فنجان قهوه».
- مجله رویش، شماره 12، نیمه دوم آبان 1387، «بازار داغ فال‌گیری».
- مجله گزارش، شماره 203، آذر 1387، «خوشبختی در ته فنجان قهوه؛ آسیب‌شناسی پدیده فال و فال‌گیری در ایران».